

7796  
17.11

## چرا قرآن به زبان عربی نازل شد؟

رسالت / ۲۳ خرداد ۸۶

قباد خدروی - استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز

ز جمله اوصاف قرآن کریم توصیف به "عربی" است. و صف عربی هم به قرآن کریم و نیز به چیزهای دیگر اطلاق شده است.

لفظ عربی با مشتقات آن "بیست و دو" مورد در قرآن کریم به کار رفته است:

### عربی در لغت عربی:

راغب اصفهانی در مفردات (۱) می نویسد عرب فرزند اسماعیل است و اعراب در اصل جمع آن می باشد و سپس بعدا اختصاص به همه اعراب بدوی و غیربدوی یافت.

"عربی" یعنی کسی که کلامش گویا است و اعراب به معنای بیان می باشد. واژه "عرب عن نفسه" یعنی روشن کن از نفسش و "اعراب کلام" یعنی روشن کردن فصاحت و در عرف علمای نحو کلمه اعراب به حرکات و سکناتی گفته می شود که در آخرین کلمات می آید یعنی "رفع، نصب و جر و سکون".

### "عربی فصیح" یعنی کلام فصیح و روشن

طریحی در کتاب مجمع البحرین (۲) می نویسد: عرب اسم مونث است و عرب "مستعرب" به "کسانی هستند که به زبان اسماعیل بن ابراهیم (ع) صحبت کرده و اعراب یعنی روشن کردن و توضیح دادن و لغت عربی یعنی توضیح داده و لغت عربی است. یعنی آنچه به وسیله آن عرب سخن گفته اند.

### واژه عربی در مقابل عجم

در پاره ای از آیات قرآن لفظ عربی همراه با اعجمی به کار رفته و در مقابل آن قرار گرفته است. اعجام به معنی ابهام و گنگی در کلام است.

راغب اصفهانی (۳) می نویسد: عجمه خلاف روشنی است و اعجام به معنی ابهام است و عجم یعنی غیرعرب و عجمی منسوب به غیر عرب است و اعجم به کسی گویند که زبانش لکنت دارد خواه عرب یا غیرعرب باشد.

در کتاب مجمع البیان آمده است که عجمی نقیض عربی است و عجمی نقیض فصیح می باشد.

## قرآن و توصیف آن به عربی (۴)

اعراب به لهجه‌های مختلفی سخن می‌گفتند اما حتی در دوره پیش از اسلام به زبان ادبی و مشترک بر می‌خوریم که شاعران و خطیبان عرب به کار می‌بردند و عموم شاعران و خطیبان عربستان اعم از جنوب و مرکز و شمال به این زبان شعر می‌سرودند و یا نثر می‌نوشتند و عواطف و احساسات خود را در پاکترین و برازنده‌ترین زبان ممکن بیان می‌نمودند و این زبان وسیله القای وحی الهی قرار گرفت و زبانی جهانی شد.

در میان دانشمندان عده‌ای معتقدند که نزول قرآن به لهجه قریش بوده است و دلایلی را نیز بر می‌شمارند. از سوی دیگر عده‌ای نیز بیان قرآن را که می‌فرماید؛

“لسانا عربیا” عام گرفته و با دلایلی نزول قرآن به لهجه قریش را رد می‌نمایند. (۵) با استفاده از بیان عام قرآن کریم که اغلب با قید “لسانا عربیا” همراه است نتیجه گرفته می‌شود که زبان قرآن زبان عربی بوده و در لهجه خاصی منحصر نمی‌باشد. از جمله معانی “عربی” فصاحت و بلاغت است به طوری که در بحث لغوی از العربی به معنای سخن فصیح و آشکار تعبیر می‌گردد و هدف روشن کردن صراحت و روشنایی مفاهیم قرآن است.

در تفسیر نمونه تفسیر آیه “نزل به الروح الامین ... بلسان عربی مبین” (۶) می‌نویسد برای اینکه جای هیچ‌گونه عذر و بهانه‌ای برای کسی باقی نماند “آن را به زبان عربی آشکار نازل کرد.”

“بلسان عربی مبین” این قرآن به زبان عربی فصیح و خالی از هرگونه ابهام نازل شده تا برای انداز و بیدار ساختن بویژه در آن محیط که مردمی بسیار بهانه‌جو و لجوج داشت به قدر کافی گویا باشد، همان زبان عربی که از کاملترین زبان‌ها و از پربرترین و غنی‌ترین ادبیات مایه می‌گیرد و باید پرسید که چرا قرآن به زبان عربی و آن هم به زبان عربی مبین نازل شده است؟

باتوجه به روحیه خاص مردم عربستان و خوی جاهلیت و نادانی که با اعتقادات آنان عجین گشته بود و نیز با زبان عربی به خوبی آشنایی داشتند و به آن شعر می‌سرودند و نثر می‌نوشتند و باهم رقابت ادبی داشتند، اگر زبان قرآن، زبان دیگری غیر از زبان عربی بود یقیناً لجاجت با قرآن و آوردن آن مضاعف می‌شد و از آنجا که قرآن کریم کلام خدا است و کلام خدا باید با روشن‌ترین وجه بیان شود و هیچ‌گونه ابهام و گنگی نداشته باشد لذا قرآن به زبان

عربی نازل گردیده تا زمینه برای بهانه‌جویان فراهم نباشد. در قرآن کریم در آیه ۴۴ سوره فصلت می‌فرماید: "ولو جعلناه قرآن عربیا اعجمیا لقالو لولا فصلت آیاته."

"اگر این قرآن را گنگ و مبهم نازل می‌کردیم آنها می‌گفتند چرا آیاتش روشن و مشروح بیان نشده است."

در این آیه اعجمی در مقابل عربی قرار گرفته و به معانی کلام غیر فصیح است.

علامه طباطبایی (ره) در المیزان (۷) در تفسیر آیه "بلسان عربی مبین" می‌فرماید: یعنی به لسان عربی که در عریتش ظاهر است و یا مقاصد را با بیان تمام می‌کند.

مرحوم طبرسی در مجمع‌البیان می‌نویسد: "بلسان عربی مبین" یعنی به زبان عرب که صریح است برای مردم در آنچه آنها در دینشان به آن محتاجند و گفته شده که منظور از آن زبان قریش است تا اینکه آنچه را در آن است بفهمند و نگویند که نفهمیدم آنچه را که محمد (ص) می‌گوید.

در تفسیر نمونه آمده است: تعصب چیزی است که خصیصه عرب بوده است و چنانچه قرآن کریم به زبان غیر از زبان عربی نازل می‌شد تعصبشان باعث می‌شد که آن را نپذیرند.

البته باید افزود که واژه عربی گاهی به معنی کسی می‌آید که از نژاد عرب باشد و گاهی به معنی کلام فصیح است و کلمه عجمی که در نقطه مقابلش به کار رفته است نیز گاهی به معنی نژاد غیرعرب و گاهی به معنی کلام غیرفصیح است.

این تعصب که نمود بیشتری در ارتباط با نژاد غیر عرب (عجم) داشته است از آیات ۱۹۸ تا ۲۰۳ سوره شعرا به خوبی روشن است:

"ولونزلناه علی بعض الاعجمین فقرأ علیهم ماکانوا به مومنین" هرگاه ما آن را (قرآن را) بر بعضی از عجم (غیرعرب) نازل می‌کردیم و او آن را برایشان می‌خواند به آن ایمان نمی‌آورند ..."

وصف عربی قرآن کریم از کلام معصوم (ع)

در تفسیر نورالثقلین (۸) در تفسیر "بلسان عربی مبین" شخصی به نام حجال از امام صادق (ع) سوال نمود. ایشان فرمودند: یعنی آن زبان‌ها را روشن می‌کند و آن را زبان‌ها روشن نمی‌کنند.

در تفسیر علی بن ابراهیم در فضیلت و برتری عجم بر عرب در پذیرش قرآن آمده است: از امام صادق (ع) به نقل است: که درباره آیه "ولو نزلنا علی بعض الاعجمین" ... فرمودند: اگر قرآن بر عجم نازل شده عرب به آن ایمان نمی آورد و این برای عجم فضیلتی است.

از آنچه درباره وصف عربی گفته شد نتیجه گرفته می شود که این لفظ یکی از اوصاف قرآن کریم است و بیانگر آن است که زبانی که قرآن به آن نازل شده زبان ها عربی خالص و صریح بوده است و هیچ گونه اشکالی از نظر ابهام و گنگی که در زبان های غیر عرب و یا غیر صحیح یافت می شود در آن یافت نمی شود زیرا در آن صورت عرب متعصب که در پی یافتن بهانه بود که در برابر قرآن و آورنده آن قد علم کند از پذیرش آن امتناع می ورزید. قرآن باتوجه به روحیه عرب که یکی از شاخص های مهم شان تعصب بود به زبان خود آنان و به وسیله فردی پاک و دارای تبار اصیل عربی بر آنان عرضه شد تا راه بسیاری از بهانه جویی ها و دشمنی ها بسته شود، اما در عین حال دشمنان قسم خورده قرآن که منافع خود را در خطر می دیدند به انحاء مختلف با قرآن و پیامبر (ص) مخالفت کردند اما بیان روشن و قاطع قرآن زنگار ابهام را در تمامی جنبه ها زدود و دشمنان سرسخت قرآن در عین مخالفت و دشمنی با آن و پیامبر (ص) مجذوب صوت دل انگیزش می شدند به طوری که شب هنگام از روزنه ها به صدای دل انگیز قرائت قرآن پیامبر (ص) گوش می دادند. (۹)

پی نوشت ها:

- ۱- مفردات راغب: چاپ اسماعیلیان، ص ۳۴۰
- ۲- مجمع البحرین: شیخ طریحی، ج ۳، ص ۱۴۶-۱۴۵
- ۳- مفردات راغب: چاپ اسماعیلیان، ص ۳۳۵
- ۴- مجمع البحرین: جلد ۷، ص ۳۱۹
- ۵- تاریخ ادبیات عرب: تالیف، ج عبدالجلیل، ص ۲۲
- ۶- تفسیر نمونه: ج ۱۵، ص ۳۴۷
- ۷- ترجمه المیزان: جلد ۱۵، ص ۴۸۷-۴۸۸
- ۸- نور الثقلین: ج ۴، ص ۶۵، فصلت، آیه ۴۴
- ۹- برگرفته از اوصاف قرآن در قرآن جلد ۱<sup>۳</sup> و ۲، ص ۲۶۲، تالیف: یونس نیکانندیش